

نگاهی به اولین سفر ناصرالدین شاه به اروپا

سفرهای سفر ناصرالدین شاه به اروپا که اولین آن 19 آوریل 1873 آغاز شد نتیجه مثبتی برای ایران نداشت و گذشته از هزینه های هنگفتی که از خزانه دولت در این سفرها خرج می شد...



سفرهای سفر ناصرالدین شاه به اروپا که اولین آن 19 آوریل 1873 آغاز شد نتیجه مثبتی برای ایران نداشت و گذشته از هزینه های هنگفتی که از خزانه دولت در این سفرها خرج می شد، زمینه را برای سوء استفاده بیشتر دولت های اروپائی و مزدوران آنها در ایران فراهم کرد. به گزارش خبرگزاری مهر، سفر ناصرالدین شاه به اروپا در سال 1873، که نخستین مسافرت یکی از سلاطین ایران به اروپا بود یک واقعه جالب به شمار می آید. او در سال 1848 به جای پدرش، محمدشاه بر تخت سلطنت جلوس کرد و قبل از آغاز سفر به اروپا بیست و پنج سال سلطنت کرد. قبل از او هیچ یک از سلاطین ایران به یک کشور مسیحی قدم نگذاشته بودند. تصمیم به انجام مسافرتی که دیدار از روسیه، آلمان، بلژیک، انگلستان، فرانسه، سوئیس، ایتالیا و اتریش را در بر می گرفت تصمیم سهل و ساده ای نبود.

ناصرالدین شاه که در آن موقع چهل و سه سال داشت و بیست و پنج سال بر تخت طاووس تکیه زده بود می بایست مقدمات این امر را فراهم کند. از طرفی، ترک کشور پاره ای مخاطرات سیاسی در برداشت و از سوی دیگر افرادی که میل نداشتند شاه تحت تاثیر و نفوذ افکار غربی قرار بگیرد به شدت با این سفر مخالف بودند. اما کسانی مانند میرزا حسین خان مشیرالدوله هم بودند که شاه را به انجام این سفر ترغیب می کردند.

به عنوان نخستین گام سفر اروپا در روز 19 آوریل سال 1873 ناصرالدین شاه با همراهان و ملتزمین بسیار تهران را به مقصد اروپا ترک گفت و نخستین مقصد او بندر انزلی در ساحل دریای خزر بود. چهار هفته طول کشید تا آنها از راه های صعب العبور و گردنه های مرتفع البرز به ساحل دریای خزر برسند. تعداد کسانی که در بندر انزلی با شاه سوار کشتی شدند در حدود یکصد نفر و مجموعه غربی از اشخاص بودند که بسیاری از آنها برای نخستین بار به سفر خارج می رفتند.

در میان مسافران، سوگلی شاه و سه ندیمه او هم بودند که تنها زنان گروه همراه شاه به شمار می آمدند. ملتزمین اصلی شاه در این سفر عبارت بودند از میرزا حسین خان مشیرالدوله نخست وزیر یا صدراعظم شاه و ده دوازده نفر وزیر و شاهزاده که بعضی از آنها هم مقام وزارت داشتند و بین آنها از عموی شاه تا یکی از برادر خوانده هایش دیده می شد. به علاوه هفت امیر (ژنرال) که شش تای آنها ایرانی و یکی اتریشی بود که وظیفه تعلیم نظامیان ایرانی را به عهده داشتند. همچنین خدمه ها، یک عکاس و قهوه چی نیز برای چاق کردن قلیان جواهرنشان شاه و ... شاه را همراهی می کردند.

علاوه بر ژنرال اتریشی چهار اروپایی در جمع همراهان شاه بودند که از آن جمله دو نفر فرانسوی، دکتر "ملولوزان" طبیب مخصوص شاه و "مسیو ژول ریشار" معلم و مترجم شاه، "جوزف دیکسون" پزشک سفارت انگلیس و "رونالد تامسون" یکی از دبیران سفارت که مدتها در تهران اقامت داشت همراه شاه بودند.

شاه و همراهانش با کشتی از طریق دریای خزر به بندر آستاراخان (روسیه) رفتند و در آنجا وزیر مختار جدید ایران در انگلستان میرزاملکم خان و برادرش میکائیل به آنها پیوستند. در آستاراخان آنها با یک قایق بزرگ و جادار از طریق رودخانه ولگا سفر خود را ادامه دادند و سپس سوار دو قطار شدند. این اولین قطار راه آهن بود که شاه و بسیاری از همراهانش برای نخستین بار می دیدند. آنها با قطار به مسکو رفتند و چند روز در مسکو ماندند.

در مدت اقامت در مسکو، سوگلی ناصرالدین شاه تحت سرپرستی یک معتمد به تهران برگردانده شد. ناصرالدین شاه و همراهان از مسکو تا سن پترزبورگ را با قطار مسافرت کردند و در ایستگاه راه آهن سن پترزبورگ، تزار و سایر اعضای خانواده سلطنتی روس از وی استقبال کردند. برای آنها مراسم رژه نظامی، بازدید از نقاط دیدنی، مجالس رقص، مهمانی و تماشای تئاتر ترتیب داده شد. هر روز عصر، شاه ایران مشاهدات روزانه خود را برای یکی از منشی های خود تقریر می کرد که بعدا در تهران انتشار یافت.

ناصرالدین شاه در گام های بعدی سفر از بلژیک به انگلستان می رود. وی با 84 نفر همراه خود صبح روز 18 ژوئن بروکسل را به قصد بندر "اوستند" ترک می کند و در آنجا سوار کشتی جنگی ویجیلنت و دو کشتی کوچک بخار نیروی دریایی می شود. در انگلستان، پسران دوم و سوم ملکه و وزیر خارجه "لرد گرانویل" به استقبال کشتی ناصرالدین شاه می آیند و از طرف ملکه به شاه خوش آمد می گویند.

وسعت شهرلندن و کثرت جمعیت و خطوط آهن که نقاط مختلف شهر را به هم متصل می کرد خیلی ناصرالدین شاه را تحت تاثیر قرار داد. شاه خیلی از چیزهایی که در شهر لندن دیده در یادداشتهای خود نوشته است. از آن جمله به ماشین چمن زنی، کالسکه بچه ها، اسکله ها، و خیابان هایی که با چراغ گازی روشن می شدند می توان اشاره کرد.

ناصرالدین شاه از همان عصر روزی که به لندن قدم گذاشت برای مردم این شهر جالب بود. سیمای تیره او با لباسی که از کثرت سنگ های قدیمی می درخشید برای مردم لندن جالب و تازه بود. "ایا شاه را دیده اید؟" این جمله ای بود که در مدت اقامت ناصرالدین شاه در انگلستان در همه جا به گوش می خورد.

در مراسم خداحافظی شاه که روز دوم ژوئیه برگزار شد ملکه ویکتوریا در آن حضور داشت. ملکه در یادداشتهای روزانه خود از جریان خداحافظی با شاه می نویسد: "او هنگام خداحافظی محزون به نظر می رسید و دست مرا بوسید!".